



Article Type: Research paper

The Development-oriented Government and the Issue of Development in Qatar (With Emphasis on Adrian Leftwich's point of view)

Mahboobeh Bashiri¹, *Somaye Hamidi², Moslem Khosravy Zargaz³

1. M.A of Political Science, Department University of Birjand, Birjand, Iran

2. Associate Professor and Faculty Member, Department of Political Science, Faculty of Literature and Humanities, Birjand University, Birjand, Iran.

3. Member of the Faculty of Political Science, Faculty of Literature and Human Sciences, University of Birjand, Birjand, Iran

Article Info.

Received: 09/02/2024

Accepted: 29/11/2025

Available Online: 11/9/2025

Keywords:

Development, Developmental Government, Qatar, Leftwich.

* Corresponding Author:

Dr. Somaye Hamidi

Address: Associate Professor, Birjand University, Birjand, Iran.

E-mail:

Somaye.hamidi@birjand.ac.ir

Abstract

The government has a strategic and fundamental role in development. Successful agents of development are only development-oriented and efficient governments that try to bring the country to this goal by using various tools and policies. Qatar has also emerged as an important player in regional and international politics and has been able to achieve remarkable success in the field of economic, social and human development and become one of the richest countries in the world with a high global per capita income level. In this way, the question is raised, what role has the Qatar government played in the development process of this country? The assumption of the research is that according to the development-oriented government model, the government has been able to play an effective role in Qatar's progress with various development strategies and programs. The current research, with descriptive-analytical method and emphasizing Adrian Leftwich's point of view, concludes that the government in this country led by Sheikh Hamad Al-Thani and then Sheikh Tamim is one of the features of the developmentalist government model, both in domestic politics and in politics. foreigner has been blessed and with various economic, monetary, commercial, educational and investment strategies, he was able to smooth the path of economic and human development in this country and achieve significant progress.

How to Site:

Bashiri,M., hamidi, S. and khosravy zargaz,M. (2025). The Development-oriented Government and the Issue of Development in Qatar (With Emphasis on Adrian Leftwich's point of view). *The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 7(3), 142-167.



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Iranian Association of Geopolitics. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

دولت توسعه‌گرا و امر توسعه در قطر (با تأکید بر دیدگاه آدریان لفت ویچ)

محبوبه بشیری^۱، * سمیه حمیدی^۲، مسلم خسروی زارگز^۳

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.
۲. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.
۳. عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲۰ بهمن ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۰۸ آذر ۱۴۰۴

تاریخ انتشار: ۲۰ آذر ۱۴۰۴

چکیده

دولت نقشی راهبردی و اساسی در توسعه دارد. کارگزاران موفق توسعه تنها دولت‌های توسعه‌گرا و کارآمدی هستند که با به‌کارگیری ابزارها و سیاست‌های مختلف سعی می‌کنند کشور را بدین مقصود برسانند. قطر نیز به‌عنوان یک بازیگر مهم در سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی ظهور یافته و توانسته موفقیتی چشمگیر در زمینه توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی به دست آورد و به یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان با سطح درآمد سرانه بالای جهانی تبدیل شود. بدین ترتیب این سؤال مطرح می‌شود که دولت قطر چه نقشی در روند توسعه این کشور داشته است؟ مفروض پژوهش این است که مطابق با الگوی دولت توسعه‌گرا، دولت توانسته با استراتژی و برنامه‌های توسعه‌ای مختلف، در پیشرفت قطر نقشی مؤثر داشته باشد. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با تأکید بر دیدگاه آدریان لفت ویچ، چنین نتیجه می‌گیرد که دولت در این کشور به رهبری شیخ حمد آل ثانی و سپس شیخ تمیم از ویژگی‌های الگوی دولت توسعه‌گرا چه در سیاست داخلی و چه در سیاست خارجی برخوردار بوده است و با راهبردهای اقتصادی، پولی، تجاری، آموزشی و سرمایه‌گذاری مختلف توانسته مسیر توسعه اقتصادی و انسانی در این کشور را هموار کند و به پیشرفت‌های چشمگیری دست یابد.

کلیدواژه‌ها:

توسعه، دولت توسعه‌گرا، قطر، لفت ویچ.

* نویسنده مسئول:

دکتر سمیه حمیدی

نشانی: دانشیار گروه علوم سیاسی،

دانشکده ادبیات و علوم انسانی،

دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.

پست الکترونیک:

Somaye.hamidi@birjand.ac.ir

استناد به این مقاله:

بشیری، محبوبه، حمیدی، سمیه و خسروی زارگز، مسلم. (۱۴۰۴). دولت توسعه‌گرا و امر توسعه در قطر (با تأکید بر دیدگاه آدریان لفت ویچ). *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، ۷(۳)، ۱۴۲-۱۶۷.

۱. مقدمه

دولت قطر کشور کوچک شبه جزیره‌ای است که در سال ۱۹۷۱ میلادی استقلال یافت. در دهه ۱۹۷۰، پس از کشف گاز فراساحلی رشد اقتصادی و اجتماعی سریعی را تجربه کرد و اکنون یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان است (Alabdulla, et al., 2022: 2). با بررسی روند توسعه در قطر مشخص می‌شود که دولت توسعه‌خواه در این کشور به‌رغم قرارگیری در زمره دولت‌های کوچک، توانسته به بازیگر منطقه‌ای و جهانی قابل‌مشاهده تبدیل شود. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که دولت در مسیر توسعه قطر چه نقشی داشته است؟ اینکه دولت توسعه‌گرا با به‌کارگیری راهبردهای توسعه‌ای نقش مهمی در روند توسعه این کشور داشته است، مفروض پژوهش حاضر است. با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر تئوری دولت توسعه‌گرای آدریان لفت ویچ، چنین نتیجه می‌گیریم که دولت قطر نیز با اقدامات اصلاح‌طلبانه و با اجرای برنامه بلندپروازانه توسعه اقتصادی در کنار سرمایه‌گذاری‌های هوشمندانه در بازارهای بین‌المللی سرمایه توانسته ضمن رهایی از خطر فروپاشی در جریان تحولات عربی، به یکی از بازیگران برتر اقتصاد جهان تبدیل شود. همچنین دولت مذکور با استفاده از درآمدهای هنگفت حاصل از فروش منابع طبیعی فرصت‌های مناسبی را برای فعالیت در صنعت گردشگری، کشاورزی و تجارت به دست آورده و به یکی از کشورهای توسعه‌یافته جهان تبدیل شده است. در پژوهش حاضر به تفصیل این فعالیت‌ها، براساس چهارچوب نظری دولت توسعه‌گرا بررسی می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

مواردی از پژوهش‌ها در باب توسعه کشور قطر عبارت‌اند از:

۱. شیائوجوان ژانگ^۱ (۲۰۱۸) در مقاله «الجزیره و سیاست خارجی قطر: دارایی یا بدهی؟»^۲، پس از ذکر خاستگاه، سیاست‌ها و مجموعه اصلاحاتی را، که این کشور برای دستیابی به توسعه به کار گرفته است، بیان می‌کند.
۲. رضا شیرزادی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «توسعه و توسعه انسانی در قطر» چنین نتیجه گرفته است که این کشور به کمک رشد و توسعه اقتصادی و هدایت دولت در زمینه توسعه، پیشرفت‌های قابل‌ملاحظه‌ای به دست آورده است.

1. Xiaojuan Zhang (2018)
2. Al-Jazeera and Qatar Foreign Policy: Asset or Liability?

۳. همچنین یاری و غضنفری (۱۳۹۹) در «واکاوی علل ثبات سیاسی و سیاست خارجی فعال قطر در تحولات خاورمیانه عربی و شمال آفریقا» با بهره‌گیری از رویکردی تحلیلی-جامعه‌شناختی و تلفیقی از نظریات اقتصاد سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی، این‌گونه نتیجه می‌گیرند که پیگیری عوامل مشروعیت‌زای دولت قطر در کنار سازوکار اقتصاد رانتی و اقدامات مؤثر آن در زمان تحولات بهار عربی، نقشی اساسی در حفظ ثبات سیاسی قطر داشته است.

۴. عزرا چاووش اوغلو (۲۰۲۰)^۳ در مقاله خود با عنوان «از ظهور تا بحران: رهبری قطر»^۴ سیاست خارجی و دستاوردهای داخلی کشور قطر را ذکر کرده و تحول قطر را به دلیل موفقیت رهبری این کشور به‌خصوص دوره شیخ حمد می‌داند.

هر چند پژوهش‌های صورت‌گرفته پیرامون قطر به‌طور کامل سیاست‌های توسعه‌ای این کشور را بیان می‌کنند، اما وجه تمایز پژوهش حاضر این است که سیاست‌های به‌کارگرفته‌شده از سوی رهبران قطری را با توجه به ویژگی‌های دولت‌های توسعه‌گرا با تأکید بر آرای لفت ویچ، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد و به تطبیق سیاست‌های توسعه‌ای این کشور بر مبنای ویژگی‌های نخبگان حکومتی توسعه‌گرا، استقلال نسبی دولت، دیوان‌سالاری کارآمد، جامعه مدنی ضعیف و بستر بین‌المللی می‌پردازد.

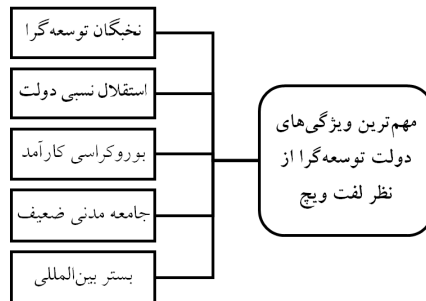
۲. مبانی نظری

دستگاه دولت در کشورهای منطقه خلیج فارس در اختیار حاکمان سنتی قرار دارد و توسعه این کشورها با توجه به سیاست‌های به‌کارگرفته‌شده از سوی این حاکمان متفاوت بوده است (Sa-jedi, 2013: 177). دولت نقشی اساسی در توسعه دارد و ادعاهای مکاتب لیبرال و نئولیبرال در خصوص نقش حداقلی دولت نوعی ساده‌سازی مسئله و غفلت از واقعیات تاریخی است. البته باید توجه داشت تنها دولت‌های کارآمد و توسعه‌گرا می‌توانند کارگزار موفق توسعه باشند نه هر دولتی (Naqibzadeh & Delfrooz, 2015: 1031). براساس نظریه دولت توسعه‌گرا، اجرای چنین نقش عمده‌ای مستلزم نفوذ دولت در تمامی بخش‌های جامعه است؛ به گونه‌ای که ضمن فراهم کردن مقدمات رشد اقتصادی، توانایی تأمین سرمایه کافی برای صنعتی کردن کشور را نیز داشته باشد (Burnell & Wiki, 2008: 93). آدریان لفت ویچ برجسته‌ترین متفکر در این زمینه است.

3. Esra Çavuşoğlu (2020)

4. From Rise to Crisis: The Qatari Leadership

او اولویت دولت‌ها را توسعه می‌داند و با ذکر ویژگی دولت‌ها و سیاست‌هایشان، طیف وسیعی از دولت‌های در حال توسعه موفق و ناموفق را برمی‌شمارد و از این طریق مدلی برای دولت توسعه‌گرا ارائه می‌کند. وی در قالب دستورالعمل‌های عمومی سعی کرده پیشنهادهای اصلاحی برای تبدیل دولت‌ها به دولت توسعه‌گرا را عرضه کند (Leftwich, 1995: 401). وی در سال ۱۹۹۴ در مقاله «حکمرانی، دولت و سیاست‌های توسعه»، توسعه را مقوله‌ای سیاسی دانسته و حکمرانی خوب را قابلیت عمومی برای اشاعه توسعه، در اثر پیامدهای نوع خاصی از سیاست‌گذاری‌ها و دولتی که توانایی ایجاد، حفظ و حمایت از توسعه دارد، می‌داند. به باور وی، مطابق شواهد عینی، دولت‌هایی که در طول ۳۰ سال گذشته، رکورد بالاترین میزان توسعه اقتصادی را در میان دولت‌های جهان سوم به خود اختصاص داده‌اند، «دولت‌های توسعه‌گرا»ی کارآمد هستند» (Ghaffari & Igder, 2017: 117). در نتیجه، وی وجود دولت قدرتمند را برای دستیابی به توسعه ضروری دانسته و در کتاب «سیاست و توسعه در جهان سوم» تأکید می‌کند که ویژگی متمایز دولت‌های توسعه‌گرا این امر است که اهداف سیاسی و ساختارهای نهادینه‌شده و به‌خصوص بوروکراسی آن، به سمت توسعه سوق داده شده‌اند (Leftwich, 2005: 2). لفت ویچ وجود نخبگان حکومتی توسعه‌گرا، استقلال نسبی دولت، دیوان‌سالاری کارآمد و قدرتمند، جامعه مدنی ضعیف و تحکیم اقتدار دولت و بستر بین‌المللی را مهم‌ترین ویژگی‌های دولت‌های توسعه‌گرا برمی‌شمارد (Nabawi, 2011: 192). از آنجاکه دولت قطر نیز مطابق با الگوی دولت توسعه‌گرا اقدامات توسعه‌طلبانه ملی و بین‌المللی بی‌شماری داشته است؛ ذیل بحث پیش رو مهم‌ترین برنامه‌های توسعه‌ای این کشور در سیاست داخلی و سیاست خارجی را تشریح کرده و پس از آن به تطبیق ویژگی‌های دولت‌های توسعه‌گرا از دیدگاه لفت ویچ با ویژگی‌های دولت قطر و سیاست‌های آن می‌پردازیم.



نمودار ۱. ویژگی‌های دولت توسعه‌گرا

۲-۱. سیاست‌های توسعه‌طلبانه دولت قطر

قطر در دوره حکومت شیخ خلیفه جزء کشورهای عقب‌مانده خلیج فارس محسوب می‌شد، اما از زمان حاکمیت شیخ حمد، پیشرفت‌های مهمی در عرصه داخلی، منطقه‌ای و جهانی کسب کرده است (Shirzadi, 2018: 183). تفکرات متفاوت شیخ حمد نسبت به حاکمان قبل از وی، نقطه عطفی در تاریخ نوپای قطر به شمار می‌آید. در واقع، حمد از سال ۱۹۹۵ میلادی با استراتژی توسعه‌ای خود مبنی بر تبدیل قطر به یک کشور کوچک جهانی، این کشور را متحول کرده است (Yari & Ghazanfari, 2020: 8). قطر از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خاصی از جمله منابع انرژی و اقتصادی قدرتمند، ثبات و کارآمدی داخلی، قابلیت‌های رسانه‌ای، فرهنگی و آموزشی قابل توجه برخوردار است که در عرصه سیاست خارجی و تضمین بقا و امنیت کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد (Heydarifard, 2019: 35). دوران ۱۸ ساله حکومت حمد، روند روبه‌رشدی را به لحاظ اقتصادی طی کرد. این رشد اقتصادی در بخش‌های مختلف مرهون منابع غنی هیدروکربنی این کشور و اتخاذ راهبرد متنوع‌سازی اقتصاد بود. شیخ حمد با به‌کارگیری استراتژی «استفاده از ثروت جهت تولید ثروت بیشتر» در قالب متنوع‌سازی اقتصاد، اولویت را به توسعه اقتصادی کشور اختصاص داد و درآمدهای هنگفت انرژی را در بخش‌های غیرانرژی هزینه کرد. در نتیجه این دوران کمترین میزان بیکاری، تورم، فقر و در عین حال بالاترین میزان درآمد سرانه در جهان را داشته است (Sai & Emadi, 2014: 16). قطر با اصلاحات سیاسی و اقتصادی گسترده در عرصه داخلی و ایفای نقش میانجی‌گری در مناقشه‌های منطقه‌ای فعال بوده است. همچنین صدور گاز مایع (LNG)، جهش اقتصادی در این کشور را به وجود آورد. دولت قطر مطابق الگوی دولت توسعه‌گرا، به ارتقای جایگاه قطر در جهان با اجرای طرح «ملی‌گرایی قطری» پرداخت. اقدامات اصلاحی خصوصی‌سازی نیز به‌عنوان کلید ورود به اقتصاد پیشرفته مورد تأکید دولت قرار گرفته است (Shirzadi, 2018: 185). همچنین «چشم‌انداز ملی قطر در سال ۲۰۳۰»^۶ که از سال ۲۰۰۸ توسط حمد بن آل‌ثانی اجرا شد؛ بر مبنای چهار محور مرتبط با یکدیگر شامل توسعه انسانی، توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و توسعه زیست‌محیطی است. براساس چشم‌انداز ملی، این کشور تا سال ۲۰۳۰ میلادی قصد دارد به جامعه‌ای پیشرفته تبدیل شود که

5. Diversification

6. Qatar National Vision (QNV) 2030

قادر به حفظ توسعه خود و تأمین استانداردهای بالای زندگی برای تمام افراد کشور باشد (Zibaei, 2020: 326). در ۲۵ ژوئن ۲۰۱۳، امیر فعلی این کشور، تیمیم بن حمد آل ثانی (شیخ تیمیم)، به خواست پدرش، به سلطنت رسید. وی استراتژی‌های توسعه‌ای پدرش را تعقیب کرد و در راستای توسعه و پیشرفت کشورش همواره در تلاش است. (Shirzadi, 2018: 183) همچنین بعد از روی کار آمدن شیخ تیمیم، سیاست خارجی این کشور با تحولات جدی روبه‌رو شده است و به تدریج از رویکردهای محلی و راهبردهای مبتنی بر همزیستی مسالمت‌آمیز، به سمت اتخاذ سیاست خارجی فعالانه در جهت ایفای نقشی برجسته در مسائل محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی معطوف شده است. (Sorkhil, 2016: 132) نتیجه اینکه دولت با استراتژی و برنامه‌های توسعه‌ای مختلف در روند توسعه نقشی مؤثر داشته است و در رتبه سرانه تولید ناخالص داخلی، جایگاه نخست جهانی و منطقه را دارا است (Mossalanejad, 2021: 167). مشاهده و بررسی شاخص GDP نشان می‌دهد که رشد تولید ناخالص داخلی تا سال ۲۰۲۲ نسبت به سال‌های قبل افزایش قابل توجهی داشته است (جدول ۱).

جدول ۱. GDP قطر (\$current US)

کشور	سال	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۴	۲۰۱۶	۲۰۱۹	۲۰۲۱	۲۰۲۲
قطر		۰٫۸۴۹	۰٫۸۰۳	۰٫۸۵۱	۰٫۸۵۶	۰٫۸۴۸	۰٫۸۵۵	۰٫۸۷۵

Source: UNDP (United Nations Development Programme) 2005-2022

باید یادآور شد که پیامدهای همه‌گیری کووید در سال ۲۰۲۰ میلادی در قطر قابل توجه بود و شاخص‌های اقتصادی و همچنین انسانی این کشور کاهش یافت، اما در سال ۲۰۲۱ بهبودی نسبت به قبل به وجود آمد و پس از آن رشد بالایی یافته است. رشد سالیانه تولید ناخالص داخلی برای سال ۲۰۲۲ میلادی، ۴٫۲ درصد بوده است، زیرا سال ۲۰۲۲، سال برگزاری جام جهانی فوتبال و پروژه‌های متعدد اقتصادی قطر بوده است. در حالی که پس از این شتاب رشد اقتصادی کاسته شده است؛ در ۲۰۲۳ میلادی، ۱٫۶ درصد و این پیش‌بینی برای سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ میلادی، ۲ درصد است.

جدول ۲. شاخص توسعه انسانی قطر

سال	۲۰۰۴	۲۰۰۶	۲۰۰۸	۲۰۱۰	۲۰۱۲	۲۰۱۴	۲۰۱۶	۲۰۱۸	۲۰۲۰	۲۰۲۲	۲۰۲۳
قطر	۳۱٫۷۳	۶۰٫۸۸	۱۱۵٫۲۷	۱۲۵٫۱۲	۱۸۶٫۸۳	۲۰۶٫۲۲	۱۵۱٫۷۳	۱۸۳٫۳۳	۱۴۴٫۴۱	۲۳۷٫۳	۲۲۷٫۵

Source: <https://data.worldbank.org/country/qatar?view=chart>

همچنین مشاهده ارزش شاخص توسعه انسانی (HDI) از سال ۲۰۰۴-۲۰۲۳، کشور قطر را در رده توسعه انسانی بسیار بالای برنامه توسعه سازمان ملل متحد قرار می دهد (جدول ۲). نرخ HDI قطر برای سال ۲۰۲۲ میلادی عدد ۰٫۸۷۵ بوده که کشور مذکور را در زمره کشورهای با توسعه بالای انسانی و رتبه ۴۰ در میان ۱۸۹ کشور جهان قرار می دهد (UNDP, 2023-24).

جدول ۳ رتبه توسعه انسانی این کشور در جهان بین سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۳ میلادی را نشان می دهد:

جدول ۳. رتبه توسعه انسانی قطر (۲۰۰۵-۲۰۲۳)

سال	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۱۰	۲۰۱۴	۲۰۱۶	۲۰۱۹	۲۰۲۱	۲۰۲۳
رتبه	۴۰	۳۴	۳۸	۳۱	۳۳	۴۵	۴۲	۴۰

Source: <https://hdr.undp.org/content/human-development-report-2023-24>

رشد شاخص HDI قطر و قرار گرفتن در زمره کشورهای با توسعه انسانی بالا گویای اهمیت این موضوع در برنامه ریزی دولتمردان قطری است.

۲-۲. تطبیق ویژگی های دولت توسعه گرا از نظر لفت ویج در قطر

۲-۲-۱. نخبگان توسعه گرا

نخستین ویژگی دولت های توسعه گرا این است که نخبگان توسعه گرای مصمم آن ها را اداره و هدایت می کنند. این نخبگان متعهد به اهداف توسعه گرایانه، در چهارچوب ائتلاف ها و اتحادهایی در حال تغییر، با هم در ارتباط هستند. آن ها با برنامه ریزی های خویش، نقشی

اساسی در رشد و توسعه همه‌جانبه جوامع در حال توسعه ایفا می‌کنند (Ahmad Rasool, 414: 2020). به گفته لفت ویچ (۲۰۱۰)، «ائتلاف‌های سیاسی ملزم به تثبیت و تضمین توافق سیاسی هستند که هر دولت مؤثر و بادوام به آن وابسته است و هسته سخت دولت‌های توسعه‌یافته، به‌ویژه دولت‌های به اصطلاح دموکراتیک توسعه‌یافته هستند» (Leftwich, 2010: 102) بنابراین ائتلاف‌های سیاسی عنصر مهمی در حرکت نخبگان جامعه است.

ظهور قطر به‌عنوان یک بازیگر مهم در سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی از ترکیب چندین عامل تسهیل شد که عمده‌ترین آن‌ها از چشم‌انداز منسجم و متمرکز از اهداف سیاست خارجی این کشور و موقعیت و وجهه بین‌المللی مطلوب آن در میان نخبگان حاکم و فرایندهای تصمیم‌گیری سریع و کارآمد، منابع مالی عظیم در دسترس دولت و استقلال دولت در عرصه بین‌المللی برای تعقیب اهداف سیاست خارجی نشئت می‌گیرد. (Kamerova, 2017: 120) از میان این عوامل نیز ذهنیت نخبگان و سیستم حکمرانی کشور قطر از جمله زمینه‌های تحول اقتصادی و گذار به سمت اقتصاد توسعه‌گرا بوده است. نخبگان حاکم از دهه ۲۰۰۰ میلادی، با توجه به افزایش سطح درآمدهای اقتصادی و آسیب‌پذیری اقتصاد سیاسی هیدروکربنی، ساخت سیاسی قطر در راستای متنوع‌سازی الگوهای اقتصادی و تبدیل این کشور به یک دولت توسعه‌گرا را مدنظر قرار دادند (Mozdkhah & Hamidi, 2022: 165). تحول قطر به دلیل موفقیت رهبری شیخ حمد آل‌ثانی و دیدگاه گسترده و تفکر استراتژیک وی صورت گرفت. طرح آرزوها و اهداف بلند برای کشورش در سطوح داخلی، منطقه‌ای و جهانی، نشانه روشنی از دیدگاه گسترده شیخ حمد است. رویکرد استراتژیک اتخاذشده شیخ حمد استراتژی موازنه بود. استراتژی موازنه چندسطحی بین دولت و جامعه، سنت و مدرنیته و بین قدرت‌ها در روابط خارجی در مسیر خودمختاری قطر به کار گرفته شد (Çavuşoğlu, 2020: 94). رهبر قطر از زمان کودتای مسالمت‌آمیز سال ۱۹۹۵ میلادی، که به سلطنت پدرش پایان داد، تلاش کرد نقش دیپلماتیک نوآورانه‌ای برای کشورش ایفا کند. شیخ حمد با حمایت همسر کاریزماتیک خود توانست به‌عنوان عضوی از نسل جدید رهبران عرب در خاورمیانه قرار گیرد. او سعی کرد از ویژگی‌های کشورهای کوچک خود به‌عنوان منبع قدرت استفاده کند (Cooper & Momani, 2011: 117).

موفقیت رهبری حمد آل‌ثانی بدین صورت بود که وی قبل از اینکه در سال ۱۹۹۵ میلادی مسئولیت را بر عهده بگیرد، مهارت‌های رهبری را با تجربه دولتی قابل توجهی به دست آورده بود. زمانی که او شروع به حکومت کرد، آماده بود که قطر را با آرمان‌ها و سیاست‌های

جدید در داخل و خارج از کشور اداره کند (Çavuşoğlu, 2020: 85). تبدیل ثروت هنگفت کشور به رفاه اجتماعی نشان از توانایی حاکمان قطر دارد؛ طی سالیان اخیر کسب بالاترین درآمد سرانه گواهی بر این مدعاست. همچنین تخصیص نسبتاً مناسب منابع رانتی سبب حمایت جامعه و سکوت آن‌ها در برابر برنامه‌های سیاسی حکومت شده است. ایمن‌سازی اقتصاد قطر نیز بزرگ‌ترین بازارهای جذب سرمایه را به این سرزمین اختصاص داده است (Yari & Ghazanfari, 2020: 18). مهم‌ترین سیاست‌ها و اصلاحات نخبگان حاکم که منجر شده قطر امروزی با اقتدار در نقشه سیاسی جهان جای بگیرد، شامل سیاست‌های اقتصادی، اصلاحات آموزشی، سیاست‌های تجاری، سرمایه‌گذاری و غیره است که در ذیل به تشریح برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۲-۲. سیاست‌های اقتصادی

درواقع هدایت سیاست خارجی و داخلی در راستای توسعه اقتصادی، یکی از وظایف اصلی دولت توسعه‌گراست (Mossalanejad, 2021: 159) اولین گامی که دولت شیخ حمد به‌عنوان پایه و اساس ثروت کشور برداشت، اجرای توافقات با شرکت‌های نفتی بین‌المللی براساس مدلی متفاوت از آنچه در اکثر شرکت‌های ملی نفت انجام می‌شد، بود (Zhang, 2018: 32). با اکتشافات جدید و افزایش تولید نفت، به سرمایه نفتی قطر نیز افزوده شد. همچنین آغاز صادرات گاز طبیعی مایع (LNG) از سال ۱۹۹۷، توسعه اقتصادی عظیمی را به همراه داشت. حمد تولید LNG را با سرمایه‌گذاری‌های هنگفت سرعت بخشید و ثروت بزرگی برای دستیابی به اهداف عالی خود به دست آورد (Çavuşoğlu, 2020: 85). این کشور در سال ۲۰۱۹، حدود ۱۰۷ میلیارد متر مکعب گاز مایع صادر کرد. جدیدترین مشتری گاز مایع طبیعی قطر، بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا، آلمان است که تا پیش از حمله نظامی روسیه به اوکراین، گاز مورد نیاز خود را از روسیه وارد می‌کرد. با اینکه منابع انرژی فسیلی موتور اصلی رشد اقتصادی قطر بوده است، اما بی‌ثباتی این بازارها به دلیل نوسان قیمت‌ها و همین‌طور الزام کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و روند کربن‌خنثی‌سازی کشورهای صنعتی، قطری‌ها را به متنوع‌سازی اقتصاد و کاهش وابستگی به انرژی‌های فسیلی ملزم کرده است (Nazari, 2023). قطر یک برنامه توسعه بلندپروازانه و بلندمدت با نام چشم‌انداز ملی ۲۰۳۰ برای تنوع بخشیدن به اقتصاد خود و به‌عنوان استراتژی توسعه پایدار معرفی کرده است. موارد اصلی این طرح، هزینه‌های زیربنایی در بخش‌های آموزشی، حمل‌ونقل، ورزشی، مراقبت‌های بهداشتی، توریسم و ارتباط از راه دور

هستند (Mossalanejad, 2021: 164). هدف چشم‌انداز ملی این است که تا سال ۲۰۳۰، قطر به جامعه پیشرفته تبدیل شود که بتواند توسعه خود را حفظ کند و استانداردهای بالای زندگی را برای مردم خود فراهم کند.

علاوه بر این، سایر اهداف اقتصادی قطر به طور کلی عبارت‌اند از:

- مدیریت صحیح و کارآمد اقتصاد برای دستیابی به نرخ‌های معقول و پایدار رشد اقتصادی، ثبات مالی و اقتصادی و ایجاد فضای تجاری محرک و نیز ساختارهای اقتصادی باز و انعطاف‌پذیر؛

- بهره‌برداری مسئولانه منابع طبیعی و ایجاد تنوع اقتصادی مناسب برای کاهش وابستگی به صنایع هیدروکربنی؛

- طراحی و توسعه فعالیت‌های اقتصادی که قطر می‌تواند در آن‌ها تخصص داشته باشد، به نوعی توسعه اقتصاد دانش‌بنیان در کشور (Aitkenhead & Stratulatv, 2021: 5).

برای دستیابی به اهداف ذکر شده و نیز تبدیل قطر به یک کشور توسعه‌گرای دانش‌محور، چهار هدف در چشم‌انداز ۲۰۳۰ قطر ترسیم شده است:

الف) توسعه انسانی: به معنای توانمندسازی کافی جامعه برای تبدیل به یک ملت توسعه‌خواه و مرفه؛

ب) توسعه اجتماعی: توسعه و رشد جامعه براساس استانداردهای اخلاقی برای مشارکت فعالانه جهانی؛

ج) توسعه اقتصادی: ایجاد یک اقتصاد متنوع و رقابتی که ضمن تأمین نیاز همه شهروندان، سطوح رفاه را برای حال و آینده‌شان تأمین کند.

د) توسعه زیست‌محیطی: برقراری هماهنگی و توازن میان رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی و نیز حفاظت از محیط‌زیست. (Mozdkhah & Hamidi, 2022: 169)

در راستای سیاست‌های اقتصادی، دومین استراتژی توسعه ملی قطر ۲۰۱۸-۲۰۲۲ به‌عنوان مجموعه راهبردهای ملی برای دستیابی به اهداف تبیین‌شده در چشم‌انداز ملی قطر ۲۰۳۰ و

با هدف حفظ رونق اقتصادی، متنوع‌سازی اقتصاد و ارتقای توسعه انسانی تدوین شده است (Iran Chamber Research Center, 2022: 13).

۲-۲-۳. اصلاحات آموزشی

از نظر تنظیم‌کنندگان سند چشم‌انداز ۲۰۳۰، موفقیت اقتصادی آینده به‌طور فزاینده‌ای بستگی به توانایی مردم قطر برای مقابله با نظم جدید بین‌المللی دارد که مبتنی بر دانش و رقابت است. رونق اقتصادی نیز توجه ویژه دولت را به بخش آموزش معطوف کرده است. دولت قطر تلاش وافر داشته تا در چهارچوب بهره‌گیری از ظرفیت‌های آموزشی و با ایجاد زیرساخت‌های مناسب آموزشی، علاوه بر ارتقای سطح علمی-آموزشی قطر، زمینه‌های گسترش ارتباطات آموزشی با خارج از کشور را فراهم کند. (Sorkhil, 2016: 147) قطر با سرمایه‌گذاری عظیم در این بخش، ضمن تربیت نخبگان علمی در زمینه‌های فناوری اطلاعات در تلاش است که از حضور نیروی کار و متخصص خارجی در بخش‌های نفت و صنعت بی‌نیاز شود (Yari & Ghazanfari, 2020: 14). برای نمونه می‌توان به تأسیس بنیاد قطر در سال ۱۹۹۵ اشاره کرد که موجب تقویت مشارکت آموزشی قطر با هم‌تایان غربی و گسترش فرصت‌های آموزشی-تحقیقاتی و ارتقای سطح توسعه اجتماعی شده است (Zhang, 2018: 32). در سال ۱۹۹۸ نیز شهر آموزش به‌عنوان یک شهر خاص مبتنی بر اقتصاد دانش‌بنیان و با هدف اصلی ارتباط میان دانشگاه و صنعت بنا شد.

قطر اصلاحات نهادی دیگری مثل استقلال دانشگاه قطر از حکومت مرکزی، ایجاد صندوق تحقیق ملی، تشکیل شورای آموزش در سال ۲۰۰۳ میلادی و تأسیس شعبه‌های دانشگاه‌های معتبر جهان و مراکز مهم بین‌المللی در قطر را برای موفقیت در بخش آموزش انجام داده است (Sai & Emadi, 2014: 22).

در نتیجه این سیستم آموزشی مدرن، نمایه سرمایه‌گذاری قطر در توسعه منابع انسانی ایجاد شد بنابراین آموزش نیروهای انسانی به پرورش جمعیت نخبگان کشور کمک شایانی کرده است و این امر توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور را در پی دارد.

۲-۲-۴. سیاست‌های پولی

حوزه دیگری که قطر به‌عنوان یک بازیگر بین‌المللی در آن ظاهر شده است، حوزه مالی است.

این بخش به‌عنوان یکی از بخش‌های کلیدی اقتصاد قطر، توسط سه مقام اجرایی یعنی بانک مرکزی قطر (QCB)، سازمان تنظیم مقررات مرکز مالی قطر (QFCRA) و مرجع بازارهای مالی قطر (QFMA) مدیریت، سازمان‌دهی و نظارت می‌شود. (Qatar Economic Outlook Report, 2018: 79). دولت گرچه تمایل دارد سرمایه‌گذاری‌های خصوصی را تشویق و سرمایه‌گذاری خارجی را جذب کند؛ بازیگر اصلی در اقتصاد قطر است (Iran Export & Investment Center, 2019: 24). این کشور عموماً از ثبات پولی بالایی برخوردار است. توسعه سیستم بانکی در قطر به طرق مختلف نقش مهمی در رشد سریع اقتصادی این کشور داشته است. برخی از آن‌ها به ایجاد یک زیرساخت مستحکم از جمله انتشار پول ملی، ایجاد مؤسسات بانکی ملی، ایجاد و توسعه یک بانک مرکزی مدرن و ایجاد یک چهارچوب نظارتی سالم برای تأثیرگذاری و کنترل بر توسعه نظام بانکی مربوط می‌شوند. درحالی‌که برخی دیگر از طریق اعطای اعتبار به بخش خصوصی در بخش‌های غیرنفتی و گازی و همچنین حمایت از هزینه‌های مصرف‌کننده و استانداردهای بالاتر زندگی، مستقیماً به رشد اقتصاد کمک می‌کنند (Al Ghorairi, 2010: 84). در اقتصاد قطر، سقف نرخ بهره در سپرده‌ها وجود ندارد و نیروهای بازار در آن نرخ‌های بهره را تعیین می‌کنند. از اواسط دهه ۱۹۹۰، تلاش‌های مستمری از سوی سیاست‌گذاران برای تنوع بخشیدن به درآمدها، کنترل مخارج عمومی و خصوصی‌سازی و در نتیجه بهبود بهره‌وری و افزایش رشد اقتصادی بلندمدت شده است. در سال ۲۰۰۰، دولت قوانین حاکم بر محیط قانونی و اقتصادی را اصلاح کرد و بدین ترتیب به سرمایه‌گذاران کشورهای خارجی برای اعمال مالکیت ۱۰۰ درصدی در هر پروژه اجازه داد. البته استثنای این امر، بانکداری، بیمه و تجارت عمومی است که در آن ۵۱ درصد مشارکت قطری هنوز مورد نیاز است. همچنین دولت قوانین حقوق مالکیت معنوی و کاهش تعرفه‌ها را برای مطابقت با استانداردهای سازمان تجارت جهانی (WTO) معرفی کرد (El-Mefleh, et al., 2008: 148). بنابراین دولت قطر با سیاست‌های مالی متنوع و کمک بخش خصوصی به تکمیل فرایند توسعه در این کشور پرداخته است.

۲-۲-۵. سیاست‌های تجاری

سیاست تجارت قطر بر ایجاد اقتصاد مدرن و لیبرال متمرکز است. این امر در ارتقای سرمایه‌گذاری (داخلی و خارجی)، برنامه‌های متنوع‌سازی تجارت در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی و عضویت در چندین سازمان مانند WTO منعکس شده است (Iran Export & Investment Center, 2019: 7). اهداف اصلی سیاست تجاری قطر تسهیل تجارت، سرمایه‌گذاری

خارجی و ترویج صادرات است. ارزش کل صادرات قطر در سال‌های ۲۰-۲۰۱۲ میلادی، ۴٫۷ میلیارد دلار بوده است.

جدول ۴. مقاصد صادراتی برتر قطر در ۲۰-۲۰۱۲ میلادی

هند	چین	ژاپن	کره	سنگاپور	آمریکا	پاکستان	امارات
٪۱۶/۵	٪۱۶	٪۱۵/۶	٪۱۱/۸	٪۸/۹۹	٪۲/۸۲	٪۲/۶۵	٪۲/۳۴

Source: <https://trendeconomy.com/data/Qatar>

ارزش کل واردات به قطر ۲٫۳۴ میلیارد دلار در سال ۲۰-۲۰۱۲ است.

جدول ۵. منابع برتر واردات در سال ۲۰-۲۰۱۲

چین	آمریکا	آلمان	هند	ایتالیا	ترکیه	بریتانیا	فرانسه	ژاپن
٪۱۴/۹	٪۱۳/۴	٪۷/۵۵	٪۵/۸۹	٪۵/۵۷	٪۴/۹	٪۴/۱۴	٪۳/۲۸	٪۲/۸۵

Source: <https://trendeconomy.com/data/Qatar>

قطر موانع تجاری و گمرکی بسیار کمی دارد و همچنین در تلاش است بازار تجارت الکترونیک خود را گسترش دهد، زیرا این کشور بسیاری از عناصر اصلی برای یک بازار آنلاین مطلوب مثل جمعیت دارای سطح درآمد بالا، زیرساخت (ICT)^۷ قوی و ایمن و جامعه‌ای که از نظر الکترونیکی به یکدیگر متصل هستند را در اختیار دارد. قطر در سال ۲۰۱۷، از نظر نفوذ به اینترنت در رده اول جهان قرار گرفته است (15: Iran Export & Investment Center, 2019). این امر یکی از راهبردهایی است که تجارت آسان را ممکن می‌کند.

وزارت اقتصاد فرمول‌بندی‌های سیاست تجاری کشور را تسهیل کرده است. این کشور سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر تجارت بین‌الملل همچون تأسیس خطوط دریایی جدید، توسعه بازار داخلی، استفاده از ابزارهای تسهیل تجارت بیشتر، حمایت و ترویج سرمایه‌گذاری خارجی، تأسیس دفترهای تجاری در پایتخت‌های مهم‌ترین شرکای تجاری، گسترش صادرات و واردات

7. Information & Communication Technology

قطر و تداوم به‌کارگیری نظام تجاری چندجانبه مبتنی بر توافق‌نامه‌های منطقه‌ای و دوجانبه را در پیش گرفت. این سیاست‌ها از زمان ارزیابی پیشین سیاست تجاری قطر در سال ۲۰۱۴ معرفی شد و هم‌زمان در سند ملی چشم‌انداز قطر ۲۰۳۰، اهداف بلندمدت و استراتژیک توسعه اقتصادی-اجتماعی قطر منتشر شد (Iran Chamber Research Center, 2022: 8).

در نتیجه سیاست‌های تجاری بسیار متنوع بوده و امکان واردات و صادرات گسترده و توسعه اقتصادی قطر را فراهم کرده است.

۲-۲-۶. سیاست‌های سرمایه‌گذاری

سرمایه‌گذاری خارجی یکی از عوامل توسعه موفق تلقی می‌شود و اگر دولت توسعه‌گرا بتواند زیرساخت‌های داخلی را فراهم و حمایت‌های لازم را نیز از کارآفرینان و شرکت‌های داخلی کند، ورود شرکت‌های فراملی و سرمایه‌گذاری آنان می‌تواند تأثیر بسزایی در رشد اقتصادی و توسعه کشورهای مقصد داشته باشد. در فضای اقتصاد جهانی جدید، سرمایه‌گذاری خارجی تحت هدایت دولت توسعه‌گرا، به جای وابستگی می‌تواند فرایند توسعه موفق را تسریع کند (Af-shar, et al., 2016: 39)، زیرا نقل و انتقالات فناوری، عرضه منابع کمیاب مثل سرمایه فیزیکی و انسانی، تحقیق و نوآوری، ظرفیت بالای مدیریتی و مهارتی، به‌کارگیری فرصت‌ها به واسطه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی صورت می‌گیرد (Ahmadi & Hozarmoghadam, 2013: 18). رشد سرمایه‌گذاری همواره مورد توجه نخبگان حاکم در این کشور بوده است. برای این منظور سازمان سرمایه‌گذاری قطر به‌عنوان متولی این امر در سال ۲۰۰۵ تأسیس شده است (Hemti, 2021). دولت به دنبال سیاست ائتلاف‌سازی با قدرت‌های برتر جهانی که افزایش قدرت و وزن‌سازی جهانی این کشور را در پی دارد؛ سرمایه‌گذاری در این کشورها را در دستورکار سازمان سرمایه‌گذاری قطر قرار داده است (Mozdkhah & Hamidi, 2022: 10).

در راستای متنوع‌سازی اقتصاد نیز سرمایه‌گذاری عظیم دولت قطر در بخش‌های هتل‌داری، هواپیمایی و آموزشی باعث ارتقای جایگاه اقتصاد گردشگری در این کشور شده است. به‌علاوه قطر توانست میزبانی مسابقات مهم آسیایی و جهانی را با سرمایه‌گذاری در بخش ورزشی به دست آورد که در رشد بخش گردشگری تأثیر زیادی داشته است. بزرگ‌ترین موفقیت قطر در عرصه ورزشی، کسب میزبانی جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ است. در استراتژی پنج‌ساله دولت قطر

۲۰۱۶-۲۰۱۱، میزبانی جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۲۲ را «فرصت جدید»^۸ دانسته که در نتیجه این فرصت، تأثیرات اقتصادی معقولی برای این کشور کسب شد (Sai & Emadi, 2014: 21). در نتیجه سیاست‌های دولت، بخش گردشگری رشد بالایی را شاهد بوده است، به طوری که در گزارش سال ۲۰۱۹ مجمع اقتصاد جهانی در این حوزه رتبه ۵۱ در میان ۱۴۰ کشور را به خود اختصاص داده است. این جایگاه، دومین رتبه بالای خاورمیانه محسوب می‌شود. با این حال، همه‌گیری کووید این بخش را نیز با مشکلات جدی مواجه کرد. دولت قطر برای حل این مشکل با آغاز ابتکار پاک قطر^۹ بهداشت، نظافت و امنیت را در بخش گردشگری تأمین کرد. در نتیجه سازمان گردشگری ملل متحد، قطر را به‌عنوان بازترین کشور در خاورمیانه و هشتمین در جهان رتبه‌بندی کرد (Iran Chamber Research Center, 2022: 21-22) و سیاست‌ها و راهبردهای قطر در این زمینه بی‌نتیجه نماند.

همچنین قطر به سرمایه‌گذاران در مناطق آزاد امتیازهای زیادی از جمله حمایت مالی و بودجه‌ای می‌دهد. در سال ۲۰۱۸، سازمان مناطق آزاد قطر (QFZA) ایجاد شد که مسئولیت توسعه و تنظیم مناطق آزاد در قطر و اعلام مقررات مناطق آزاد مطابق با سیاست‌ها و استراتژی‌های دولت را برعهده دارد. (Rahimi, 2020) دولت با تشویق بخش خصوصی، اصلاح نظام مالیاتی و گمرکی و توسعه مناطق آزاد در گسترش نرخ سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی نقش مؤثری ایفا کرد.

به‌طور کلی از سیاست‌های بیان‌شده مشخص می‌شود که نخبگان سیاسی حاکم توانستند با به‌کارگیری استراتژی‌های مختلف در زمینه‌های آموزش، تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی باعث توسعه و رشد شاخص‌های اقتصادی و انسانی چشمگیر قطر در عرصه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی شوند.

۲-۳. استقلال نسبی دولت

باتوجه به نظریات لفت و یچ، دومین ویژگی دولت توسعه‌گرا، استقلال نسبی آن است. منظور وی از استقلال، آزادی عمل نسبی دولت در برابر خواست‌های گروه‌های هم‌سود داخلی و خارجی با علایق خاص طبقاتی، منطقه‌ای یا ناحیه‌ای است. دولت توسعه‌گرا باید توانایی داشته باشد که ضمن روابط فشرده با گروه‌های اجتماعی، بتواند با حفظ استقلال نسبی خود

8. New Opportunity

9. Qatar Clean Initiative

پروژه‌های توسعه‌ای را به اجرا درآورد (Harati & Ziraki Heydari, 2017: 268). دولت در این کشورها ضمن اینکه از یک سو به عنوان ابزار طبقه مسلط عمل می‌کند و در رابطه با نظام تولید سرمایه‌داری فقط استقلال نسبی دارد، از سوی دیگر منافع و اهداف خاص خود را دارد. فقدان خودمختاری کامل از سوی دولت، در عین حال که محدودیتی برای نخبگان سیاسی است، فضا و ضرورت را برای تشکیل اتحادها و ائتلاف‌ها ایجاد می‌کند (Couto Porto, 2020: 358). بررسی این ویژگی در ساختار سیاسی حاکم در قطر حاکی از استقلال و آزادی عمل دولت است. دولت قطر مهم‌ترین نقش و جایگاه بلامنزاع را در بخش‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشور برعهده دارد. در کشورهای صادرکننده نفت، با افزایش قیمت نفت، قدرت بیشتر در دستگاه اجرایی کشور و حکومت متمرکز است. این گرایش به واسطه ساختار مالی دولت در کشورهای نفت خیز است که انحصار درآمدهای نفتی را در اختیار دولت و حکومت قرار داده است (Massoudnia & Sheikh Mahmoudi, 2020: 156). دولت قطر نیز انواع مسئولیت‌ها و کارکردها به ویژه عرصه‌های خارجی را در انحصار خود داشته و به عبارتی شبکه‌های دولتی و وظیفه دیپلماسی اقتصادی قطر را برعهده دارند و بر سایر سازمان‌ها و نهادهای اقتصادی و اجتماعی نظارت مستقیم دارد و بدین سبب که سازمان‌های خصوصی و شرکت‌های غیردولتی دیگر نقش چندانی در معادلات ندارند نوعی تمرکز و انسجام میان بخش‌های مختلف دولتی شکل گرفته است. (Sorkhil, 2016: 149) توسعه سریع اقتصادی، ظهور قطر را به عنوان یک دلال قدرت دیپلماتیک مهم تسهیل کرده است.

در میان یک زمینه منطقه‌ای نامطمئن، قطر یک دستور کار بین‌المللی فعال را پیش برد که با ابتکارات میانجی‌گری برجسته و برندسازی تهاجمی دولتی در تلاش برای دستیابی به جایگاه برتر بین‌المللی تعریف شده است (Zhang, 2018: 32). در عرصه داخلی نیز دولت با رهبری شیخ حمد، ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی را به واسطه استراتژی و قدرت عمل وی کسب کرد. این ثبات سیاسی با دستیابی به اتحاد دولت-جامعه تثبیت شده است. دولت که متشکل از خاندان حاکم (آل ثانی) است، با گنجاندن قبایل بزرگ در سازوکارهای دولتی و اعطای سهام به آن‌ها از نظر سود و مشارکت، جامعه را تقویت کرد.

روابط دولت و جامعه براساس تنظیم مجدد توزیع قدرت و ثروت در میان خانواده‌های با نفوذ و گروه‌های بازرگان مؤثر صورت گرفته بود (Çavuşoğlu, 2020: 92). در واقع امیر قطر با جداسازی قدرت بین خانواده سلطنتی و اعضای کابینه برنامه مدرنیزه کردن سیستم سیاسی

را آغاز کرده؛ به طوری که رسماً اداره نخست‌وزیری از دربار جدا شده است. به‌رغم انجام اصلاحات سیاسی و اقتصادی، تمرکز قدرت همچنان در دست امیر و مشاوران نزدیک او است. در قطر گروه سیاسی خاصی وجود ندارد (Yari & Ghazanfari, 2020: 10). اعضای ارشد خانواده حاکم، که توسط تعداد کمی از نخبگان تکنوکرات حمایت می‌شوند، می‌توانند با استفاده از شبکه‌های خویشاوندی که در سراسر شبکه شرکت‌های دولتی کلیدی در قطر گسترش یافته‌اند مستقل از نیروهای اجتماعی عمل کنند و با محدودیت‌های داخلی کمی مواجه شوند (Coates Ulrichsen, 2014: 34). این واقعیت که جمعیت بومی قطر بسیار کم است، شرایط مطلوبی را در بازسازی روابط دولت و جامعه برای دولت قطر فراهم کرده است. در نتیجه دستیابی به یک نظام سیاسی قدرتمند و جامعه‌ای ثروتمند ممکن شده است (Çavuşoğlu, 2020: 92).

۲-۴. دیوان‌سالاری کارآمد

لفت و بیچ نیاز به دولت‌های کارآمد را پیش‌شرطی ضروری برای توسعه یکپارچه، کاهش فقر و استراتژی‌های رژیم رفاه فراگیر می‌داند (Leftwich, 2011: 404) که نهایتاً به ارتقای آن می‌انجامد. اولین تشکیلات حکومتی در دهه ۱۹۵۰ میلادی توسط انگلیس در این امیرنشین شکل گرفته بود، اما با به قدرت رسیدن خلیفه آل‌ثانی در سال ۱۹۷۱ میلادی، سازمان سیاسی جدیدی برای اداره امور قطر از سوی او معرفی شد (Mojtahedzadeh, 1993: 200). براساس قانون اساسی موقت، امیر دارای صلاحیت و اختیارات وسیعی بود، اما شکل‌گیری یک بوروکراسی کارآمد با کودتای امیر حمد آل‌ثانی در سال ۱۹۹۵ میلادی و با اصلاحات زیاد وی در ساختار حکومت انجام شد (Asghari Sani & Rangesh, 2014: 29). تحول قطر به دلیل رهبری موفق شیخ حمد، چهره برجسته و طراح وضعیت کنونی سیاسی قطر، انجام شد که توانست قدرت سیاسی مرکزی را به واسطه دیدگاه گسترده و تفکر استراتژیک خود به دست آورد. رویکرد استراتژیک اتخاذشده شیخ حمد استراتژی موازنه‌سازی بود. قطر به‌طور استراتژیک از مزایایی مانند قدرت اقتصادی و منابع گاز طبیعی خود به‌عنوان اهرمی در دیپلماسی برای دستیابی به توازن بین قدرت‌ها استفاده کرد. این استراتژی بین دولت و جامعه، سنت و مدرنیته و بین قدرت‌ها در روابط خارجی در مسیر خودمختاری قطر به کار گرفته شد (Çavuşoğlu, 2020: 86). معرفی اصلاحات سیاسی به واسطه تلاش پویا و علنی امیر و همسرش، قطر را در مسیر مدرنیزاسیون سوق داد.

حوزه مهمی که دولت قطر برای دستیابی به قدرت بیشتر به آن توجه کرد توسعه دولت الکترونیک با به کارگیری هوش مصنوعی بوده تا ضمن کسب درآمد در حوزه‌های مختلف، در اداره مقتدرانه کشور نیز از آن استفاده کند (HemtiBorojini, 2021). تأسیس مرکز هوش مصنوعی قطر در فوریه ۲۰۱۹ با شش محور اصلی استعدادیابی، ایجاد مرکز داده‌ها، اشتغال‌زایی، ثروت آفرینی، آینده‌پژوهی از طریق روش‌های هوش مصنوعی و مدیریت فکری براساس هوش مصنوعی از اهداف عمده این مرکز عنوان شده است. (Abdulahi, 2023) استراتژی آموزش هوش مصنوعی جزء چشم‌انداز ملی قطر ۲۰۳۰ است.

دولت قطر از راهبرد ملی هوش مصنوعی به نفع اقتصاد خود بهره می‌برد و قرار است براساس چشم‌انداز ملی قطر ۲۰۳۰، کشور به «قطر هوشمند» تبدیل شود و اقتصاد دیجیتال در این کشور توسعه یابد. پیش‌بینی می‌شود بازار هوش مصنوعی در قطر تا پایان سال ۲۰۲۳ میلادی به ۲۲۰ میلیون دلار برسد. (Azhari, 2023) همچنین قطر با بهره‌گیری از هوش مصنوعی در صنایع و دیگر حوزه‌ها آینده خود را تا حد امکان از وابستگی به منابع هیدروکربنی دور کرده و به همان اندازه به استفاده از فناوری، افزایش بهره‌وری، پایداری صنعتی، ارتقای اقتصاد دانش‌بنیان و نیز کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای نزدیک کرده است. به‌علاوه فعالیت‌های بین‌المللی شرکت‌های حاضر در عرصه هوشمندسازی باعث می‌شود قدرت رقابت‌پذیری قطر در نظام بین‌الملل نیز افزایش یابد. در نتیجه کاربست هوش مصنوعی ضمن اینکه قدرت بوروکراسی و دولت قطر را نسبت به شهروندان افزایش داده بر قدرت رقابت دولت در جامعه بین‌المللی نیز افزوده است. (Yousefi, 2023).

۲-۵. جامعه مدنی ضعیف

جامعه مدنی ضعیف یکی از شرایط ظهور و تحکیم دولت‌های توسعه‌ای است. منظور لفت ویچ از «جامعه مدنی» شبکه همه منافع و گروه‌های سازمان‌یافته خصوصی بالاتر از سطح خانواده، اما پایین‌تر از سطح دولت است (Leftwich, 1995: 415). این ویژگی در کنار سایر ویژگی‌های دولت توسعه‌گرا موجب رشد و توسعه اقتصادی می‌شود. گرچه در قطر حاکم، نخست‌وزیر، وزیر خارجه، وزیر کشور و وزیر دفاع همگی از اعضای خاندان «آل‌ثانی» هستند؛ با این حال، این خاندان تا امروز به اقتدار حاکم بی‌توجهی نشان داده است. (Kamrava, 1999: 165) همچنین قطر یک جامعه همگن مبتنی بر قبیله است که درآمدهای مالی آن به

نفت و منابع طبیعی بستگی دارد. بر این اساس، شهروندان هیچ قدرت چانه‌زنی در برابر دولت ندارند. به همین ترتیب، دولت استقلال مطلق از نیروی کار دارد که تا حد زیادی به مهاجران وابسته است. در نتیجه، شهروندان هیچ قدرتی برای سازمان‌دهی خود در سندیکاهای اتحادیه‌ها یا اعمال فشار کافی بر دولت از طریق اعتصاب ندارند. از سوی دیگر، قطر با وابستگی به قدرت‌های خارجی برای حفاظت از استقلال مطلق در سطح دفاعی و امنیتی از شهروندان خود برخوردار است بنابراین دولت در برابر شهروندان خود بسیار قدرتمند به نظر می‌رسد. در چنین زمینه‌ای، بعید است که دولت قدرتمند و همه‌جانبه عقب‌نشینی کند و دموکراسی را در غیاب یا حضور نهادهای مدنی و سیاسی بی‌قدرت ترویج کند. اگرچه قانون اساسی اعلام‌شده نقطه عطفی در زندگی سیاسی قطر بود؛ توزیع قدرت همچنان به نفع حکومت است، به گونه‌ای که صلح و جهت اصلاحات را در دستان امیر قرار می‌دهد. قانون اساسی می‌گوید این حکومت در خانواده آل‌ثانی موروثی است و امیر علاوه بر اختیارات قانون‌گذاری و قضائیه، دارای اختیارات سیاسی و نظامی نیز هست. قوه مجریه بر سایر مقامات ارجحیت دارد و امیر و دفتر وی در برابر هیچ مقام دیگری پاسخگو نیستند (Zhang, 2018: 32) و توزیع قدرت به شدت نامتعادل است.

۲-۶. بستر بین‌المللی

بستر بین‌المللی خاص نیز از ویژگی‌های ظهور دولت‌های توسعه‌گرا در نظر لفت و یچ است. وی شکل‌گیری دولت‌های توسعه‌گرای جنوب شرقی آسیا در شرایط منحصربه‌فرد پس از جنگ جهانی دوم را به دلیل فراهم شدن فرصت‌های مناسب توسعه اقتصادی برای این دسته از کشورها می‌داند. (Heydari, 2016: 869) در نتیجه در تحلیل توسعه بر مبنای نظریات دولت توسعه‌گرا باید به نقش دولت، نوع رابطه آن با نیروهای اجتماعی و بستر بین‌المللی توسعه در هر کشور نیز توجه کرد (Naqibzadeh & Delfrooz, 2015: 1031). پدیده جهانی شدن، گسترش ارتباطات، غلبه ژئواکونومی بر ژئوپلیتیک و نظام سرمایه‌داری جهانی و غیره باعث شدند که شرایطی برای این بازیگر کوچک در صحنه بین‌المللی به وجود آید تا با هدف پیشرفت قطر در سایه این تحولات به نقش‌آفرینی مؤثرتری از شرایط سنتی گذشته پردازد (Rajabi & Ahmadzadeh, 2018: 77). این کشور به بازارهای جهانی و جهانی شدن به‌عنوان تهدید نگاه نمی‌کند، بلکه در روند مدرنیزاسیون تلاش کرده با حفظ پاره‌ای وابستگی‌ها به نفت از مزیت‌ها و فرصت‌های ناشی از جهانی شدن و بازارهای جهانی برای توسعه و کاهش آسیب‌پذیری‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی خود بهره‌بردار (Sardarnia, 2017: 39). همچنین قطر در مقابل

امواج بهار عربی مستثنی محسوب شده است. دولت توانست با درآمدهای سرشار نفتی و درآمد سرانه بالای جهانی، تمایلات اصلاح طلبانه، استانداردهای بالای رفاهی، شاخص‌های توسعه یافتگی انسانی و آموزشی، آزادی نسبی رسانه‌ها و از همه مهم‌تر، بهره‌گیری از ظرفیت‌های شبکه ماهواره‌ای الجزیره از این بحران منطقه‌ای گذر کند و ضمن ارتقای شاخص‌های توسعه‌ای کشور، ثبات سیاسی را نیز برقرار کند (Ipid, 47). قطر حتی بعد از بهار عربی و در شرایطی که سایر شیخ‌نشین‌های خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی این کشور را تحریم و تحت فشار شدید قرار داده بودند، باز هم ثبات داخلی خود را حفظ کند. (Iran Chamber Research Center, 2022: 19) بدون شک این موفقیت، مرهون دوراندیشی شیخ حمد و اقدامات توسعه‌ای او بوده است.

۳. نتیجه

نتایج حاصل از این مقاله نشان می‌دهد قطر جزء ثروتمندترین کشورهای جهان با سطح درآمد سرانه بالای جهانی است که آن را مدیون ذخایر طبیعی غنی از جمله گاز طبیعی است که دولت برای توسعه این کشور هزینه کرده است. از زمان تصویب چشم‌انداز ملی قطر ۲۰۳۰ در سال ۲۰۰۸ میلادی، این کشور در زمینه‌های مختلف رونق اقتصادی و توسعه‌ای را تجربه کرده است. براساس این برنامه تا سال ۲۰۳۰ میلادی، با تنوع بخشی به اقتصاد، رشد بخش غیرنفتی افزایش خواهد یافت و دولت همگام با تقویت بخش خصوصی، اقتصاد دانش بنیان و هماهنگ با اقتصاد جهانی را ایجاد می‌کند. راهبرد توسعه اقتصادی قطر مبتنی بر سرمایه‌گذاری درآمدهای نفتی و منابع زیرزمینی در طرح‌های توسعه به صورتی است که این کشور بتواند مطابق با این سند چشم‌انداز، ساختار و مدل جدیدی را برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایجاد کند. سازمان سرمایه‌گذاری قطر و بنیاد قطر به رهبری شیخه موزه در این مسیر به دولت کمک می‌کنند تا ضمن افزایش نفوذ سیاسی در روندها و فرایندهای سرمایه‌گذاری جهانی، درآمدهای حاصل از این تجارت را در راهبرد توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح شبه جزیره عربی، منطقه، جهان عرب و مهم‌تر از آن در سطح بین‌المللی به کار بندد. در نتیجه قطر از نظر شاخص‌های توسعه اقتصادی و انسانی جایگاهی در خور توجه به دست آورده است.

بنابراین براساس الگوی دولت توسعه‌گرای لفت ویچ، نخبگان و سیستم حکمرانی قطر با

درک هوشمندانه و واقع بینانه از پویایی های نظام قدرت در سطح جهانی با تعریف جایگاه جهانی خود در برنامه چشم انداز ملی ۲۰۳۰ و با سیاست های اقتصادی، پولی، اصلاحات آموزشی، سیاست های تجاری و سرمایه گذاری مناسب توانسته اند در پیشبرد توسعه اقتصادی کشورشان موثر باشند و با دیوان سالاری و هم افزایی نهادی در خاندان آل ثانی و در جامعه ای که هیچ اتحادیه یا سندیکا و تشکل مدنی برای مقابله و مخالفت با استقلال عمل شیخ حمد وجود ندارد، این کشور توانست با اقتدار در نقشه جهان بایستد. در عرصه بین المللی نیز قطر در چهارچوب یک سیاست خارجی متوازن، فعال و فرصت ساز، منافع ملی را در سطح وسیع تری دنبال کرده و نیز تلاش های آن در زمینه ایجاد صلح مؤثر واقع شده است. بدین ترتیب با اثبات فرضیه پژوهش حاضر، چنین نتیجه می گیریم که دولت توسعه خواه قطر توانسته با راهبردهای متنوع به بازیگر منطقه ای و جهانی قابل مشاهده تبدیل شود. همان گونه که در متن پژوهش نیز گفته شد، وظیفه اصلی دولت های توسعه گرا فراهم کردن شرایط رشد و توسعه اقتصادی در عرصه داخلی و بین المللی است. دولت توسعه گرای قطر به عنوان جزئی از بزرگترین صادرکنندگان گاز و نفت در جهان، ثروت هنگفتی را به دست آورد، در نتیجه افزایش درآمدها و رشد اقتصادی امکان توسعه زیرساخت ها و توسعه سرمایه انسانی نیز فراهم شده است. البته کشور مذکور همانند اغلب کشورهای دیگر حاشیه جنوبی خلیج فارس درگیر چالش ساختاری میان رشد سریع اقتصادی و در مقابل توسعه نیافتگی سیاسی نیز هست.

تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

References

- Abdulahi, M. (2023). Artificial intelligence in two ways of vision and bumps. Khorasan Newspaper. <http://khorasannews.com/Newspaper/MobileBlock?NewspaperBlockID=767781> [In Persian]
- Afshar, Z., Causi, I., & Jafari, R. (2016). Comparative comparison of successful and unsuccessful development in countries in transition. *Challenges of the World*, 2(1), 23–50. [In Persian]
- Aitkenhead, D., & Stratulativ, D. (2021). GCC country economic profile: State of Qatar. GFA Consulting Group; CEPS; DMI Associates.
- Ahmad Rasool, R. (2020). Looking at the concept of state building in developing societies. *International Journal of Advanced Academic Studies*, 2(4), 413–419. [In Persian]
- Ahmadi, A. M., & Khatarmoghadam, N. (2013). Investigating the effect of trade liberalization on the human development index in developing countries. *Strategic Studies of Public Policy*, 4(11). <https://sid.ir/paper/483585/fa> [In Persian]
- Alabdulla, S., et al. (2022). Developing a gender-sensitive women's mental health service in Qatar: A rewarding challenge. *Asian Journal of Psychiatry*, 68, Article 102969.
- Al-Ghorairi, A. (2010). The development of the financial sector of Qatar... (Doctoral thesis). Durham University.
- Asghari Sani, H., & Rangekeş, M. J. (2014). The role of software factors in the evolution of Qatar's national dignity. *Soft Power Studies*, 4(10). [In Persian]
- Azhari, N. (2023). Map of 6 Persian Gulf countries for the future of artificial intelligence. *Farhikhtegan Newspaper*. <https://farhikhtegandaily.com/news/84390> [In Persian]
- Burnell, P., & Randall, V. (2008). *Third world issues* (A. Sa'i & S. Mirtrabi, Trans.). Qoms. [In Persian]

- Çavuşoğlu, E. (2020). From rise to crisis: The Qatari leadership. *Turkish Journal of Middle Eastern Studies*, 7(1), 81–109.
- Coates Ulrichsen, K. (2012). *Small states with a big role: Qatar and the UAE...* HH Sheikh Nasser Al-Mohammad Al-Sabah Publication.
- Cooper, A. F., & Momani, B. (2011). Qatar and expanded contours of small state diplomacy. *The International Spectator*, 46(3), 113–128.
- Couto Porto, T. (2020). Coalitions for development. *Brazilian Journal of Political Economy*, 40(2), 355–375.
- Department of Market Studies of Iran's Permanent Export and Investment Center. (2019). Qatar country studies. <https://sheralbusiness.com/wp-content/uploads/2021/02> [In Persian]
- El-Mefleh, A., et al. (2008). A contribution to the analysis of the economic growth of Qatar. *Applied Econometrics and International Development*, 8(1). <https://ssrn.com/abstract=1308258>
- Ghaffari, M., & Igder, A. (2017). Development-oriented government... *Interdisciplinary Studies in Humanities*, 10(1). [In Persian]
- Harati, M. J., & Zirki Heydari, A. (2017). Resource curse and failure of the developmental state... *World Politics*, 7(3), 263–289.
- Hemti Borojni, S. (2021). Looking at the change in the economic policies of the Arab countries... *Asia News*. [In Persian]
- Heydari, A. (2016). Government and human capital policymaking in Iran. *Politics, Law and Political Science*, 46(4). [In Persian]
- Heydari Fard, S. (2019). Conceptualization of “small state”... *Foreign Policy*, 33(4). [In Persian]
- Iran Chamber Research Center. (2022). Qatar trade policy. *Macroeconomic Management Report*. [In Persian]

- Kamrava, M. (1999). Structural analysis of non-democratic states... Middle Eastern Studies, 6(4). [In Persian]
- Kamrava, M. (2017). Qatar's foreign policy and the use of soft power. International Studies, 54(2), 91-123. [In Persian]
- Leftwich, A. (1995). Bringing politics back in... The Journal of Development Studies, 31(3), 400-427.
- Leftwich, A. (2005). Politics and development in the Third World (A. Khosravi & M. Mirmohammadi, Trans.). Abrar Institute. [In Persian]
- Leftwich, A. (2010). Beyond institutions... Forum for Development Studies, 37(1).
- Leftwich, A. (2011). Developmental states, effective states... Indian Journal of Human Development, 5(2).
- Massoudnia, H., & Sheikh Mahmoudi, P. (2020). Economic and political pathology... Government Research, 5(21). [In Persian]
- Mojtahedzadeh, P. (1993). Countries and borders in the Persian Gulf... MFA Publishing. [In Persian]
- Mossalanejad, A. (2021). Explaining the effect of economic policy... Public Policy, 7(1). [In Persian]
- Mozdkhah, E., & Hamidi, S. (2022). Qatar and the knowledge-based economy... Government Research, 8(32). [In Persian]
- Nabawi, A. A. (2011). Iran and the development-oriented state... Political Science, 6(3). [In Persian]
- Naqibzadeh, A., & Delfrooz, M. T. (2015). South Korea's economic development process... Politics, Law and Political Science, 45(4). [In Persian]
- Nazari, E. M. (2023). How Qatar became rich from poverty? https://peshgaman.com/article/How_Qatar_Became_Rich/ [In Persian]

- Planning and Statistics Authority (PSA). (2018). Qatar economic outlook 2018–2020. Government of Qatar.
- Rahimi, S. (2020). Qatar's free zone high-flyers... Ekhtaz24. <https://freena.ir/detail/57384> [In Persian]
- Rajabi, S., & Ahmadzadeh, I. (2018). The competitive geopolitical explanation... *Geography and Human Relations*, 1(3). [In Persian]
- Sa'i, A., & Emadi, S. R. (2014). Economy, foreign policy and security interaction... *Globalization Strategic Studies*, 5(12/15). [In Persian]
- Sajedi, A. (2013). Development problems of Persian Gulf countries... *Political Science*, 9(25), 169–191.
- Sardarnia, Kh. (2016). Democracy and political survival... *World Policy*, 6(2). [In Persian]
- Shirzadi, R. (2018). Development and human development in Qatar. *Political Studies*, 11(41). [In Persian]
- Sorkhil, B. (2016). Evolution of diplomacy in Qatar... *Political Science*, 12(35), 127–156. [In Persian]
- TrendEconomy. (2020). Qatar export data (December 2020). <https://trendeconomy.com>
- Yari, E., & Ghazanfari, H. (2020). Causes of political stability and Qatar's active foreign policy... *Political Science*, 16(51). [In Persian]
- Yousefi, H. (2023). Technology revolution and industrialization... Tasnim News Agency. [https://www.tasnimnews.com/...](https://www.tasnimnews.com/) [In Persian]
- Zhang, X. (2018). Al-Jazeera and Qatar foreign policy... (Master's thesis). Luiss Guido Carli University.
- Zibaei, M. (2019). Emerging middle powers in the new Middle East... *Foreign Relations*, 12(2), 309–336. [In Persian]